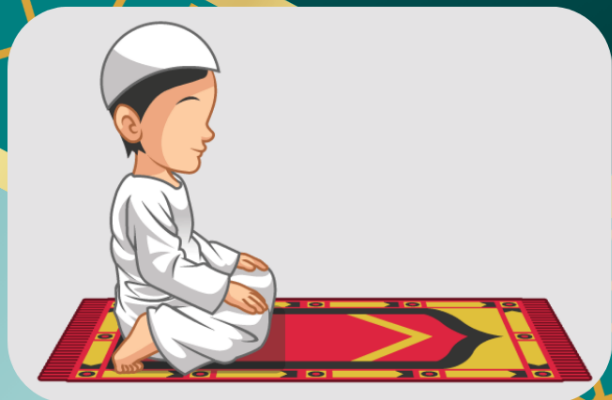


نماز مسافر



مؤلفان

امين الدين "سعيدى- سعيد افغانى"
و داکتر صلاح الدين "سعيدى- سعيد افغانى"

نماز مسافر

نماز مسافر

تتبع، نگارش و نوشته از:
امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

نماز مسافر

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز مسافر

احکام نماز مسافر:

دین مقدس اسلام در همه ای ساحات و حالات زندگی برای بشریت چنان شرایط عبادت و طاعت را وضع نموده که مطابق به امکانات طبیعی مسلمانان بوده و عمل و عبادت مسلمانان امکانات عملی و شرعی خویش را داشته و سبب صلاح و فلاح دارین گردد.

شارع در دین مقدس اسلام تسهیلاتی لازمی را پیروان خویش فراهم نموده که حتی حین سفر بادر نظر داشت مشقت سفر، واجبات شرعی هم در نظر گرفته، و تسهیلات معین برای مسلمان داده شده که اینک به بحث روی آن می پردازیم.

سفر جمع سافر و مسافرون جمع مسافر است. سفر اسم فعل و مسافرون کسانی اند که سفر میکنند. سفر یعنی خارج شدن انسان از خانه، کاشانه خویش به قصد مکانی آنقدر دور که از لحاظ شرعی قصر کردن و یا هم جمع صلاتین و جمع بعضی نماز های در آنجا درست باشد. (معجم لغه الفقهاء، دکتر محمدرواس، صفحه 219).

دلایل از قرآن بر قصر خواندن نماز در سفر:

خداوند متعال در سوره (نساء: آیه 101) می فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (هرگاه در زمین به مسافرت پرداختید و نماز را کوتاه خواندید گناهی بر شما نیست اگر ترسیدید که کافران بلایی به شما برسانند و به فتنه ای گرفتارتان گردانند).

از (یعلی بن أمية بن أبي عبيدة) روایت است: که از عمر بن خطاب درباره آیه: «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» سؤال کردم او در جوابم گفت: با توجه به این آیه قصر نماز به وقتی اختصاص دارد که از کافران در امان نباشیم ولی الان مردم در امنیت هستند، عمر گفت: من هم مثل تو از این امر در تعجب بودم تا اینکه نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم رفتم و در این باره سؤال کردم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (صدقة تصدق الله بها عليكم فاقبلوا صدقته) «صدقه ای است که خداوند به شما داده است، پس صدقه اش را قبول کنید». (صحیح جامع الصغیر 3762، صحیح امام مسلم 1/478/686)، سنن ابوداود (عون المعبود) (4/64/1187)، سنن نسائی (4/116)، سنن ابن ماجه (1/339/1065)، سنن الترمذی (4/309/5025).

دلایل از سنت بر قصر خواندن نماز در سفر:

احادیث و روایات متعددی در تاریخ اسلام وجود دارند که: رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفرهایش از جمله در سفر حج، عمره همچنان در جهاد و سایر سفرها، نمازش را قصر میکرده.

در حدیثی عبدالله بن عمر رضی الله عنه میفرماید: «در تمام مدتی که با رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم، هیچگاه در سفر از دو رکعت نماز بیشتر نمی خواند، و ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم نیز چنین بودند». (متفق علیه، بخاری (1102)، مسلم (689)).

نماز مسافر

همچنان در حدیثی از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود :
(خداوند ابتدا نمازهای واجب را چه در سفر و چه در غیر سفر به صورت دو رکعتی
فرض نمود سپس تعداد رکعات نمازهای واجب در غیر سفر افزایش یافتند ولی در سفر
به حالت دو رکعتی باقی ماندند).

و باز در روایتی که بخاری از ام‌المؤمنین عایشه روایت کرده است، آمده : (نماز در اول
دو رکعت فرض شد، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت کرد، و نماز چهار
رکعت فرض شد، و نماز مسافر به حالت اولیه اش باقی ماند). متفق علیه، بخاری (350-
1090-3935)، مسلم (1570). امام احمد بر این روایت اضافه کرده که (به غیر از
نماز مغرب، که آن نماز وتر روز است و به غیر از صبح، چون در آن قرائت به درازا
می‌گشت). (مسند احمد جلد 6 صفحه 241).

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که، می‌گوید : (خداوند نماز را بر زبان
پیامبرتان صلی الله علیه وسلم در غیر سفر چهار رکعت و در سفر دو و در هنگام ترس
یک رکعت فرض گرداند) (مسلم 687).

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که : (نماز چهار رکعتی را با پیامبر صلی
الله علیه وسلم در منی دو رکعتی می‌خواندم، و با ابوبکر و عمر نیز، در زمان
خلافتشان، در منی نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت می‌خواندم، چقدر دوست دارم به
جای این چهار رکعت، دو رکعت قبول شده بخوانم).

و در لفظی دیگر این چنین آمده : (نماز چهار رکعتی را با پیامبر صلی الله علیه وسلم دو
رکعتی می‌خواندم و با ابوبکر و عمر نیز، در زمان خلافتشان، نمازهای چهار رکعتی را
دو رکعت می‌خواندم، سپس اختلاف در بین شما افتاد چقدر دوست دارم به جای این
چهار رکعت، دو رکعت قبول شده بخوانم). متفق علیه، بخاری (1084)، (1656)،
مسلم (695).

در حدیثی دیگری از ابن عباس روایت است :

«فرض الله الصلاة على لسان نبيكم في الحضر أربعا وفي السفر ركعتين و في الخوف
ركعة» «خداوند از زبان پیامبر صلی الله علیه وسلم، نماز را بر شما؛ در حضر چهار
رکعت، در سفر دو رکعت و هنگام ترس، یک رکعت واجب کرده است». از عمر
روایت است : (سنن ابن ماجه 876)، صحیح امام مسلم (1/479/687)، سنن ابوداود
(عون المعبود) (4/124/1234)، سنن نسائی (3/118)، سنن ابن ماجه
(1/339/1068) در روایت ابن ماجه جمله آخر وجود ندارد.

(صلاة السفر ركعتان، و صلاة الجمعة ركعتان و الفطر و الأضحى ركعتان تمام غير
قصر، على لسان محمد صلى الله عليه وسلم)

«از زبان محمد صلی الله علیه وسلم، نماز سفر دو رکعت و نماز جمعه دو رکعت و نماز
عید فطر و قربان دو رکعت است، کامل‌اند، نه قصر». (موخذ: صحیح سنن ابن ماجه
871)، سنن نسائی (3/183)، سنن ابن ماجه (1/338/1063).

در حدیثی از بی بی عایشه روایت است : «الصلاة أول ما فرضت ركعتين، فأقرت صلاة
السفر، وأتمت صلاة الحضر» «ابتدا که نماز فرض شد، دو رکعت، دو رکعت بود، نماز

نماز مسافر

سفر به حال خود (دو رکعتی) باقی ماند و نماز حضر کامل (چهار رکعتی) شد». (متفق علیه : صحیح امام بخاری (2/569/1090)، صحیح امام مسلم (1/478/685)، سنن ابو داود (عون المعبود) (4/63/1186)، سنن نسایی (1/225). همچنان از ابن عمر روایت است : با پیامبر صلی الله علیه وسلم ، ابوبکر، عمر و عثمان مسافرت کرده‌ام و ندیده‌ام که هیچکدام از آنها تا وقتی که فوت کردند از دو رکعت بیشتر بخوانند. والله سبحانه وتعالی می‌فرماید « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ » (سوره احزاب : 21)

« به راستی رسول الله برای شما الگوی خوبی است». (متفق علیه : صحیح مسلم (1/479/689)، سنن ابوداود (عون المعبود) (4/90/1211)، صحیح امام بخاری فتح الباری (2/577/1102)، سنن نسایی (3/123).

اجماع علماء بر قصر خواندن نماز در سفر :

اجماع علماء بر این است هر آنکسی که نیت سفر از خانه خویش خارج شود و به سفری رود که در آن مثل سفر حج، عمره، جهاد می‌تواند نماز را قصر نماید، برای مسافر جایز است که نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند. (مسند احمد (108/2)، شیخ البانی در ارواء الغلیل (564) آن را صحیح دانسته است. و اجماعشان بر این است که نماز مغرب و صبح را نمی‌توان کوتاه کرد). الإجماع، ابن منذر، صفحه (46) و المغنی، ابن قدامه (105/3).

یادداشت فقهی:

تعداد کثیری از علماء بدین عقیده اند که : کوتاه کردن و تقصیر کردن در نماز در سفر از تمام خواندن آن بهتر است و حتی بعضی از علماء قصر کردن را واجب می‌دانند. بخاطر روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنه که می‌گوید، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : « خداوند دوست دارد که به رخصت‌هایش عمل شود، همچنان که دوست ندارد به نافرمانیش عمل شود ».

و در روایتی دیگر آمده : « خداوند دوست دارد که به رخصت‌هایش عمل شود، همچنان که دوست دارد به سختی‌هایش نیز عمل شود ». (طبرانی در المعجم الکبیر (11880) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (11/3) شماره (564)، آن را صحیح دانسته است).

شیخ الإسلام ابن تیمیه (رحمه الله) می‌فرماید : « علماء در مورد قصر کردن نماز در سفر، و آیا قصر کردن حرام یا مکروه است؟ یا ترکش بهتر است؟ یا مستحب است؟ یا هر دو یکسان است؟ دچار اختلاف شده‌اند، و بر 5 قول تقسیم شده‌اند :

1- قول کسانی که می‌گویند : تمام خواندن نمازها بهتر است، مثل یکی از اقوال امام شافعی.

2- قول کسانی که بین قصر یا تمام خواندن را یکسان دانسته‌اند، مثل : بعضی از اصحاب امام مالک.

3- قول کسانی که می‌گویند : قصر خواندن نمازها بهتر است، مثل قول صحیح امام شافعی و یکی از روایاتی که از امام احمد شده است.

نماز مسافر

4- قول کسانی که می‌گویند: قصر خواندن نمازها واجب است، مثل قول امام ابوحنیفه، و امام مالک در یکی از روایاتی که از او شده است.

5- قول کسانی که می‌گویند: قصر خواندن نمازها، سنت است و تمام خواندن آنها مکروه است، که این قول، صحیح‌ترین اقوال می‌باشد، و به همین خاطر نیت آوردن برای نماز قصر نزد اکثر علماء مثل، امام ابوحنیفه، امام مالک، امام احمد در یکی از اقوالش، واجب نیست (مجموع الفتاوی (جلد 24/ صفحه 9، 10، 21-22)).

اگر مسافر نماز چهار رکعتیش را به صورت تمام بخواند، نمازش درست است، ولی با عمل افضل‌تر دو رکعت خواندن نماز مخالفت کرده است، زیرا ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنه بعد از فوت پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر نمازهایش را به صورت تمام می‌خواند و امام عثمان رضی الله عنه نیز در منی نمازهایش را به صورت تمام می‌خواند (مسلم (685)، بخاری (1084) ولی آن عملی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفرهایش بر آن مداومت داشته - یعنی کوتاه کردن نمازها - بدون شک عملی بهتر و برتر است.

سفر:

در فرهنگ معین در باره سفر مینویسد:

سفر، در لغت به معنای بیرون آمدن از شهر خود و به محل دیگر رفتن است، هکذا سفر به معنای قطع مسافت و راهی که از مکانی به مکان دور طی می‌کند. فرهنگ زبان عربی سفر را «کشف حجاب و کنار زدن پرده» معنا کرده‌اند، حجاب‌هایی که معمولاً از جنس اعیان و اشیای خارجی است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «سفر العمامة عن الرأس، و الخمار عن الوجه» یعنی عمامه را از سر، و نقاب را از صورت، کنار زد.

قرآن عظیم الشان با به کارگیری اصطلاح «سیر» در شکلها و هیئت‌های مختلف و گوناگون، به انسان دستور به گردشگری و سیاحت نموده می‌فرماید: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض....» (پیش از شما سنت‌هایی بوده است، پس بر روی زمین بگردید و بنگرید....)

«فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین» (پس در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار آنان که پیامبر را به دروغ نسبت می‌دادند، چگونه بوده است.) «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین» (بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که پایان کار مجرمان چگونه بوده است.)

سفر یکی از ضروریات زندگی انسان است:

هدایت و سفارش قرآن عظیم الشان به سیر و سیاحت در زمین و سفر به نواحی مختلف آن حکمت‌های زیاد و متعددی مانند مطالعه زندگی گذشتگان و عبرت گرفتن از زندگی آنان، کسب تجارب درآمد، معرفت و شناخت مواهب طبیعی و نعمتها و ... را به همراه دارد.

در قرآن عظیم الشان تعدادی زیادی از آیاتی وجود دارد که به سیر و سیاحت اشارات را بعمل آورده است ولی بصورت کل در قرآن در بیش از ۶ آیه وجود دارد که انسان

نماز مسافر

را مستقیماً به سیر ، سفر و سیاحت و در نهایت عبرت گرفتن از زندگی و سرنوشت گذشتگان دعوت نموده اند.

از جمله پروردگار با عظمت ما در (آیه ۴۶ سوره حج) می فرماید: «أفلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو آذان یسمعون بها» «آیا در زمین سفر نمی کنند تا صاحب دل هایی گردند که با آن بیندیشند و گوش هایی که با آن (حقیقت را) بشنوند». از آنچه در آیات قرآن و روایات اسلامی استنباط میگردد ، میتوان دریافت که از دیدگاه اسلام سفر باید با جهت گیری و نگرش خاصی انجام شود که همان جهت گیری توحیدی و نگرش دینی است.

آیات مربوط به سفر در قرآن عظیم الشان به انسان تذکر میدهد که در صورت ممکن اقدام به سفر نمایند تا نشانه های گذشتگان را ببینید و از آن ها عبرت بگیرید و در نهایت امر حال حال و زندگی آنده از مکذبین را که از خالق خویش انکار ورزیده اند ، از نزدیک مشا هده نماید .طوریکه میفرماید : «قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبة المکذبین» (سوره انعام / ۱۱) «(ای پیامبر به مردم) بگو در زمین سیر کنید و بنگرید سرانجام کار تکذیب کنندگان (حق) چگونه بوده است» علاوه بر آن قرآن عظیم الشان تاکید می کند که در سفر انسان با راز آفرینش و خلقت و شگفتی های هستی آشنا می شود ، «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق» (سوره عنکبوت آیه ۲۰). « (ای پیامبر به مردم) بگو در زمین سیر کنید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرده است».

- « یا عِبَادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِیْ وَاسِعَةٌ فَإِیَّایَ فَاعْبُدُونِ » (ای بندگان من که ایمان آورده اید، زمین من وسیع است پس تنها مرا بپرستید و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید.)

- « أَفَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَکُونْ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِهَا... » (آیا در زمین گردش نکرده اند تا دل هایی داشته باشند که با آن بیندیشند...) (سوره الحج ۴۶)
- « فَذَ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِکُمْ سُنَنٌ فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ (...آل عمران ۱۳۷). (پیش از شما سنت هایی بوده است، پس بر روی زمین بگردید و بنگرید...»
پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نیز می فرماید: «غافل ترین و جاهل ترین مردم کسی است که از گذشت روزگار و تاریخ عبرت نگیرد».

انواع سفر:

یکی از دساتیر شرع اسلامی برای شخص مسافر بر اساس حکم قرآن عظیم الشان، سنت و اجماع علماء مکلف ساختن مسافر به اداء نماز قصر است ، طوریکه قرآن عظیم الشان میفرماید : « وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ فَلَیْسَ عَلَیْکُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ ». (سوره نساء / 101) «اگر در زمین سفر کردید گناهی بر شما نیست اگر نمازهایتان را کوتاه کنید».

خواننده محترم !

قبل از اینکه در باره انواع سفر ، مسافت تقصیر و نظر مذاهب اربعه را در مورد مقدار فاصله برای نماز تقصیر بیان گردد ، لازم میدانم در این بخش مختصراً به انواع سفرکه

نماز مسافر

از دید حکم فقهی بی نهایت مهم میباشد خدمت خوانندگان محترم معلوماتی مختصری ارائه بدارم :

اول : سفر حرام:

سفری حرام از جمله سفری است که شخص برای انجام کاری که خدا یا رسولش صلی الله علیه وسلم آن را حرام کرده‌اند، سفر می‌کند، مثل : کسی که برای تجارت مشروب، کارهای حرام دزدی و راهزنی سفر می‌کند، یا سفر کردن زن بدون محرم با او. (المغنی، ابن قدامه مقدسی (115/3) و الشرح الممتع، ابن عثیمین (رح) (492/4))

دوم : سفر واجب:

سفر واجب از جمله سفری است که برای انجام فریضة حج یا عمره واجب یا جهاد واجب، بعمل می‌آید.

سوم : سفر مستحب:

سفر مستحب از جمله سفری های است که برای اداء عمره غیر واجب یا حج سنت یا جهاد بعمل می‌آید .

چهارم : سفر مباح :

سفر مباح عبارت از سفری است که سفر برای تجارت چیزهای مباح و کلیه کارهای مباح صورت می‌گیرد .

پنجم : سفر مکروه:

سفر مکروه عبارت از سفر است که مسافر بدون همراه داشتن رفیق اقدام به سفر نماید (البته حالت نا چاری از این حکم مستثنی میباشد): (المغنی، ابن قدامه مقدسی (114/3-117) و الشرح الممتع، ابن عثیمین (رح) (492-491/4).). چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده : «اگر مردم در مورد تنهایی، آنچه را من می‌دانم بدانند، هیچ سواری در شب تنها نخواهد رفت». (صحیح بخاری (2998)). علماء می‌فرمایند که :

بر مسلمان واجب است که نباید به سفر حرام اقدام نماید و شایسته است که از سفر مکروه نیز دست بکشند، و تمام سفرهایش را در سفر واجب، سفر مستحب و مباح خلاصه کند.

امام ابوحنیفه، شیخ الإسلام ابن تیمیه و تعداد کثیری از علماء گفته‌اند که قصر نمازها حتی در سفر حرام نیز درست است. شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌فرماید:

(و دلائل در این باره قول کسی را تأیید می‌کنند که می‌گوید، قصر نمازها و شکستن روزه مربوط به مطلق سفر است و اختصاص به سفری خاصی ندارد، بلکه شامل تمام حالات سفر است، و این سخن صحیح و درستی است، چون در قرآن و سنت نیز مطلق سفر بیان شده است). (مجموع الفتاوی (109/24)).

مستحب است مسافر با خانواده، نزدیکان، اهل علم، همسایه‌ها و یارانش خویش خداحافظی کند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید : (کسی که می‌خواهد به سفر رود به کسی که

نماز مسافر

جانشین خودش می‌کند بگوید: «أستودعکم الله الذی لا تضیع و دائعہ» (شما را نزد الله به امانت می‌گذارم، خدایی که اماناتش را از بین نمی‌برد). (مسند احمد (403/2) قصر کردن یعنی کوتاه نمودن، و قصر نماز یعنی اینکه نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت خواند و قصر نمودن برای نماز صبح و مغرب جایز نیست.

مسافت قصر برای نماز:

فقها و دانشمندان اسلامی در تعیین مسافت قصر اختلاف رای دارند، شیخ الإسلام ابن تیمیہ (رحمہ الله) می‌گوید: (در مورد حد سفری که خداوند، شکستن روزه و قصر کردن نماز را به آن مرتبط کرده مردم دچار اختلاف شده‌اند، گفته شده: مدت زمان سه شبانه روز است، برخی دیگر علماء گفته مدت زمان دو شبانه روز است، و برخی دیگری علماء آنرا کمتر از دو روز معرفی نموده‌اند، حتی گفته شده: مدت زمان یک مایل است، و کسانی که حد سفر را با مسافت مشخص کرده‌اند، بعضی گفته‌اند: 48 مایل، بعضی گفته‌اند: 46 مایل، بعضی دیگر گفته‌اند: 45 مایل، گفته شده: 40 مایل، کسانی که می‌گویند حد سفر، مدت زمان سه روز است، به روایت مسح مسافر بر خفین به مدت سه روز و سفر نکردن زن مسافت سه روز را مگر همراه محرمی استفاده کرده‌اند.

و کسانی که گفته‌اند: حد سفر مدت زمان دو روز است، بر اقوال ابن عمر و ابن عباس اعتماد کرده‌اند). مجموع الفتاوی (جلد 24/صفحه 38-40) و ابن تیمیہ در ادامه می‌فرماید: (ابن حزم گفته: هیچ کسی را ندیدم که در کمتر از یک مایل، نمازش را قصر کند) مجموع الفتاوی (جلد 41/24).

جمهور اهل علم بر این مسئله اتفاق نظر دارند، مسافت سفری که در آن نماز قصر می‌شود، 4 برد است. و هر برد مسافت نصف روز و آن هم 4 فرسخ است و هر فرسخ 3 میل است، پس نزد جمهور علماء اگر طول سفر انسان 16 فرسخ یا 48 میل باشد می‌تواند نمازش را کوتاه (قصر) کند. و این برای انسان مسلمان بهتر است. تعداد از علماء می‌گویند هر بُرد عربی برابر است با (22.176) کیلومتر، در نتیجه استدلال مینمایند: مسافتی که احکام سفر به آن تعلق می‌گیرد برابر است با 4 برابر این مقدار یعنی (88.704) کیلومتر نتیجه نهایی:

- مسافت سفر که قصر را واجب می‌گرداند نزد جمهور ائمه اربعه (۴۸) میل شرعی است. (کذا فی امداد المفتین: صفحه 373. احسن الفتاوی: 96/4).
اما نزد جمهور غیر از حنفیه (۴۸) میل معادل (87/704) (هشتاد و هفت کیلومتر و هفتصد و چهارمتر) تقریباً ۸۸km می‌باشد. (الفقه الاسلامی: 75/1، 321/2. فتاوی دار العلوم دیوبند: 4/466]. و نزد حنفیه 77/248 می‌باشد. که تا حال قول معتمد نزد احناف همین است. (القول الاظهر ضمیمه احسن الفتاوی: صفحه 15).
مفتی رشید احمد (که یکی از فقهای مشهور احناف بشمار میرود) در رساله‌ای بنام: «ضمیمه القول الاظهر فی تحقیق مسافة السفر» روی این مسئله تحقیق نموده، و در آن قول مفتی به در مسافت سفر را 77/248 (هفتاد و هفت کیلومتر و دویست و چهل و هشت متر) تحریر نموده‌اند، لذا (۴۸) میل معادل (77/248) می‌باشد. (ضمیمه القول

نماز مسافر

الاظهر: (صفحه 15). (با آنها برای معلومات مزید مراجعه شود به کتاب «الفقه الإسلامی وأدلته» 75-1/74).

تقصیر نماز به حکم عرف :

تعدادی از علماء طی تحقیقات و فتاوی شرعی خویش گفته اند که : حداقل محدوده مسافت سفر با عرف مشخص می‌شود و با کیلومترهای تقریبی امروزه معین نمی‌شود، آنچه از لحاظ عرف به عنوان سفر محسوب شود به آن سفر گویند و اگر از لحاظ عرف به عنوان سفر محسوب نشود به آن سفر نمی‌گویند. که این رای ارجح است و تقریباً نزدیک به صواب هم است .

آغاز سفر در وقت نماز :

اگر نمازگزار بعد از داخل شدن وقت نماز اقدام به سفر نماید ، برایش جایز است نمازش را قصر کند، چون او قبل از خارج شدن وقت نماز سفر کرده است.

ابن المنذر می‌گوید : (کلیه کسانی که از اهل علم به یاد دارم، بر این مسئله - جمله قبلی - اتفاق نظر دارند، و این فرموده امام مالک، اوزاعی، شافعی، اهل رأی و یک از اقوال مذهب حنبلی می‌باشد، این قول را ابن عثیمین نیز برگزیده و می‌گوید : (اگر وقت نماز داخل شد و او در شهرش بود، سپس سفر کرد، او می‌تواند نمازش را قصر کند، و اگر وقت نماز داخل شده و او در سفر بود، سپس وارد شهرش شد، نمازش را به صورت تمام می‌خواند بر مبنای وضع و حالتی که در آن نماز را انجام می‌دهد). (الشرح الممتع (523/4).

حکم قصر برای محصلین مسافر:

اگر شخصی برای تحصیل و یا هم انجام مأموریت قصیر المدت در خارج از ماوای خویش برای مدتی طولانی موطن شود ، مثلاً در لیبیه یا خانه کرایه ، و یا هم هر محل دیگری ، در اینصورت قصر نمودن نماز برایش جایز نمی‌باشد ، زیرا وی دیگر مقیم آنجا شده ولی اگر هر هفته رفت و آمد کند مثلاً هفته ای چند روز جهت تحصیل به شهر محل تحصیلی خویش برود، در اینصورت می‌تواند نماز خویش را قصر کند.

البته علماء در این باره اختلاف کرده اند و نزدیک به 10 قول در این بابت فرموده اند ، بعضی از فقها از جمله (مالکیه و شافعیه و حنابله) گفته اند تا بیشتر از 4 روز اقامت در جایی دیگر قصر جایز نیست . امام صاحب ابو حنیفه مدت مدت 15 روز را برای نماز تقصیر معین ساخته و (ابن حزم و امام شوکانی) مدت 20 روز را و شیخ ابن تیمیه (رح) حکم تقصیر را برای محصلین و مأمورین ، که برای مأموریت قصیر المدت می‌روند ، به مدت طولانی حکم نموده است که باید نماز خویش را به تقصیر اداء نماید .

ولی حقیقت آنست که چون در باره ی مدت آن از کتاب و سنت بصورت مشخص نصی وارد نیست، بنابراین رای ارجح آنست که اگر شخصی مسافرت نماید و سپس در آنجا اقامت کند در اینصورت خواندن نماز قصر برایش جایز نمی‌باشد .

خواننده محترم !

اکثریت علماء برای تأیید نظریات خویش بر روایات ذیل استناد نموده اند:

نماز مسافر

1- از پیامبر صلی الله علیه و سلم به سند ضعیف روایت شده است که گفت: «یا اهل مکه لا تقصروا فی أدنی من أربعة برد من مكة إلى عسفان» (روایت طبرانی در المعجم الكبير (11162)، و دار قطنی (387/1)، و بیهقی (3/13) ، یعنی: «ای اهل مکه، از مسافت کمتر از 4 بُرد ما بین مکه و عسفان (نمازها را) قصر نکنید».

2- از ابن عباس رضی الله عنه سؤال شد که آیا تا رفتن به عرفه نمازها را قصر کنیم؟ گفت: نه، ولی تا عسفان و جدّه و طائف (میشود نماز را قصر کرد) (التلخیص الحبیر (46/2).

3- ابن عمر و ابن عباس رضی الله عنهما هنگام سفر در مسافت 4 بُرد به بالا (یعنی بیشتر از (88.704) کیلومتر) نمازها را دو رکعت میخواندند و روزه را نمیگرفتند. ابن عمر هنگام رفتن به «ذات النصب» نماز را قصر کرد، و بین این مکان تا مدینه 4 بُرد مسافت بود (فتح الباری 2/566).

در ضمن علماء طوریکه قبلاً یاد اور شدیم تاکید میدارند که سفر باید سفر مباح باشد تا احکام سفر بر او تعلق گیرد.

در نتیجه کسی که مسافت بیشتر از (88.704) کیلومتر را طی کند احکام سفر به او تعلق میگیرد و میتواند روزه را بشکند و نمازها را قصر و جمع کند، ولی همانطور که بیان شد باید سفرش مباح باشد، ولی اگر مسافت طی شده کمتر از (88.704) کیلومتر باشد، احکام سفر به او تعلق نمیگیرد، و نمیتواند که روزه را بشکند و یا نمازها را قصر و جمع کند.

و نا گفته نماند که مسئله فوق الذکر یکی از آراء علماء در مورد مسافت قصر و جمع میباشد، و نظریه های دیگری نیز در زمینه وجود که برخی آن در این مبحث اشاره بعمل آمد.

حکمت در تقصیر نماز در حال مسافرت:

حکمت کلی شرعیت اسلامی در تقصیر نماز در حال مسافرت ، برای آسانی مومن وضع شده است و نه برای مشقت و سختی ، طوریکه پروردگار با عظمت ما در مورد میرفرماید: « يَرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ » (پروردگار در حق شما آسانی می خواهد، و در حق شما دشواری نمی خواهد، و تا شمار (روزه) را کامل کنید، و خداوند را به پاس آنکه هدایتتان کرد، بزرگ بدارید. و باشد که سپاس بگذارید).سوره بقره آیه 185 (

بلی حکمت دین مقدس اسلام و شرعیت غرای محمدی همین است که : هیچگاه کار دشواری بر عهده کسی نمی گذارد، مگر باندازه استطاعت و توانائی آن، و اوامری که بدانند در خور استطاعت آنان نیست واجب نمی کند. از آنجائی که در سفر احتمال مشقت و سختی برای مسافر بوجود می آید پس خداوند متعال به دو چیز اجازه داده است اول قصر در نماز ، دوم جمع بین الصلاتین :

اول : قصر در نماز:

قصر در نماز همین است که : نماز چهار رکعتی به دو رکعت تخفیف می یابد، و این یک نوع آسانی برای بنده مسلمان است ، بناً اگر شخصی در مسافرت باشد ، باید نماز ظهر

نماز مسافر

و عصر و عشاء را به جای چهار رکعت دو رکعت بخوانی، ولی نماز مغرب و صبح به حالت خود باقی می ماند و در آنان قصر و تخفیفی نیست.
خواننده محترم!

به مفهوم دیگر قصر در نماز اجازه و هدیه ای است از جانب پروردگار به بندگان متقی و پرهیزگارش، و خداوند دوست دارد که بنده همچنانکه فرائض او را انجام می دهد به موارد رخصت و تخفیف او نیز عمل نماید.

محل که از آنجا قصر آغاز می شود؟

جمه‌ور علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه شرط قصر نماز، شروع سفر و خروج از آبادی است. و تا وقتی که مسافر به اول خانه‌های آبادی برنگردد مدت قصر نمازش تمام نمی‌شود.

ابن منذر گوید: از این که پیامبر در مسافرتهايش قبل از خروج از مدینه نمازش را قصر کند اطلاعی ندارم. و انس می‌گوید: (صلیت الظهر مع النبی صلی الله علیه وسلم- بالمدينة أربعاً، وبذی الحلیفة رکعتین.) « نماز ظهر را در مدینه با پیامبر چهار رکعت و نماز عصر را در ذوالحلیفة دو رکعت خواندم». (فقه السنه (240 و 1/241)، و قول انس: صحیح امام بخاری (فتح الباری) (2/569/1089)، صحیح امام مسلم (1/480/690)، سنن ابو داود (عون المعبود) (4/69/1190)، سنن الترمذی (2/29/544)، سنن نسایی (1/235)، منظور از «بذی الحلیفة رکعتین» نماز عصر است همانطور که در روایات غیر بخاری به آن تصریح شده است.)
اگر مسافر برای انجام کاری اقامت کرد و (از ابتدا) قصد اقامت نداشت تا وقتی که برمی‌گردد نمازش را قصر کند.

از جابر روایت است: (أقام النبی صلی الله علیه وسلم بتبوك عشرين یوما یقصر الصلاة) «پیامبر صلی الله علیه وسلم بیست روز در تبوک اقامت کرد و نمازش را قصر می‌کرد.» (صحیح: صحیح سنن ابو داود 1094)، سنن ابو داود عون المعبود (4/102/1223).

ابن قیم گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم برای امت بیان فرموده است که اگر کسی بیشتر از این مدت اقامت کند، نمی‌تواند نمازش را قصر کند، اقامت پیامبر این مدت بطول انجامیده. (فقه السنه (1/241))

پس اگر قصد اقامت بیش از نوزده روز را کرد باید نمازهايش را کامل بخواند.
همچنانکه ابن عباس گوید: «أقام النبی صلی الله علیه وسلم تسعة عشر یقصر، فنحن إذا سافرنا تسعة عشر قصرنا و إن زدنا أتمنا» (پیامبر اسلام نوزده روز اقامت کرد و نمازش را قصر کرد و ما هم وقتی که نوزده روز مسافرت کنیم قصر می‌کنیم و اگر از نوزده روز بیشتر بمانیم نمازمان را کامل می‌خوانیم.)

صحیح: (الإرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار سبیل 575)، صحیح امام بخاری (فتح الباری) (2/561/1080)، سنن الترمذی (2/31/547)، سنن ابن ماجه (1/341/1075)، سنن ابو داود (عون المعبود) (4/97/1218)، ابوداود بجای عبارت «تسعة عشر» عبارت: «سبع عشرة» را ذکر کرده است.

نماز مسافر

یادداشت در مورد وسیله سفر :

یک تعداد از علماء و سائط نقلیه را در مساله سفر مورد بررسی قرار داده اند ، و میگویند امکاناتی عصر امروز تغییر نموده و باید در حکم شرعی خویش این فهم را هم باید در نظر بگیریم ، در جواب باید گفت که وسائط نقلیه عصری بر حکم سفر هیچگونه تاثیر نداشته و در تغییر حکم هیچ فرقی را بوجود نمی آورد ، فرق نمیکند که سفر توسط کدام وسیله ، به موتر باشد و یا به طیاره ، و یا هم بوسیله کشتی و یا هم ریل باشد، و یا هم با اسب و شتروقاطر و چهار پایان، و یا با پای پیاده صورت یابد ، بر همه اینها اسم سفر اطلاق می شود و در هر صورت نماز قصر خوانده می شود.

دوم: جمع بین الصلاتین در سفر:

طوریکه در فوق یاد اور شدیم برای مسافر جایز است (رخصت میباشد) که تا بین دو نماز در يك

وقت جمع کند ، ولی سنت آنست که هر نماز را در وقتش بخواند . چراکه بصراحت تامی در حدیثی ابن مسعود آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « در تمام اعمال پروردگار با عظمت ما کدام اعمال را دوست دارد ، فرمود ادای نماز در وقت آن ».

بنا به قول اکثر اهل علم، فرق نمی کند که مسافر این جمع را در حال فرود آمدن بخواند یا در حال راه رفتن در هنگام سفر. در حدیثی از انس روایت است:

« كان رسول الله إذا ارتحل قبل أن تزيغ الشمس آخر الظهر إلى وقت العصر ثم نزل فجمع بينهما فإن زاغت الشمس قبل أن يرتحل صلى الظهر ثم ركب » «پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی که قبل از زوال آفتاب سفر می کرد، نماز ظهر را تا وقت عصر به تأخیر می انداخت؛ سپس توقف می کرد و آن دو (ظهر و عصر) را با هم می خواند؛ و اگر قبل از شروع سفر، آفتاب زوال می کرد، نماز ظهر را می خواند و بعد از آن حرکت می کرد». (حدیث متفق علیه : صحیح امام بخاری (2/583/1112)، صحیح امام مسلم (1/489/704)، سنن ابو داود (4/58/1206)، سنن نسایی (1/284).

همچنان در حدیثی از معاذ بن جبل روایت شده است که:

« أن النبي كان في غزوة تبوك إذا ارتحل بعد زيف الشمس، صلى الظهر و العصر جميعا ثم سار، و كان إذا ارتحل قبل المغرب آخر المغرب حتى يصلها مع العشاء و إذا ارتحل بعد المغرب عجل العشاء فصلاها مع المغرب ». (پیامبر صلی الله علیه وسلم در جنگ تبوک هرگاه آفتاب قبل از کوچ کردن زوال می کرد، نماز ظهر و عصر را در وقت نماز ظهر می خواند (جمع تقدیم) و هرگاه پیش از زوال آفتاب کوچ می کرد، نماز ظهر را به تأخیر می انداخت و وقتی که برای نماز عصر فرود می آمد، هر دو را با هم می خواند (جمع تأخیر). و برای نماز مغرب نیز چنین می کرد که: هرگاه آفتاب پیش از کوچ کردن غروب می نمود، بین مغرب و عشا را جمع می کرد (جمع تقدیم) و اگر پیش از غروب آفتاب کوچ می نمود

نماز مسافر

نماز مغرب را به تاخیر می‌انداخت تا زمانی که برای نماز عشاء فرود آمد و آنها را با هم می‌خواند (جمع تاخیر). به روایت ابوداود و ترمذی که گفته، حدیثی است «حسن» .

البته بهتر است جمع در سفر اگر شرایط مناسب بود صورت نگیرد بلکه بهتر است نمازها فقط قصر شوند نه جمع. (صحیح سنن او داود 1067]، احمد فتح الربانی (5/120/1236)، سنن ابوداود (عون المعبود) (4/75/1196)، سنن الترمذی (2/33/551).

یادداشت:

البته باید بخاطر داشت که جمع بین نمازها صرفاً به نماز ظهر با عصر، و نماز مغرب با عشاء اختصاص دارد، بنابر این جمع کردن بین نماز صبح و نماز ظهر، و یا بین نماز عصر و نماز مغرب جایز نیست.

احکام جمع صلاتین در حضر :

در شرع اسلامی نه تنها جمع کردن نمازها در سفر جواز دارد، بلکه در حال میقیم بودن و در حالت حضر هم، شخص میتواند در بین نمازهای خویش جمع نماید. اکثر این حالات عبارتند از :

مریضی شدید، بارش و باران شدید، طوفان قوی و شدید، گرمی و سردی بی اندازه، و یا هم هنگام مصروفیت هابه موضعاتی حیاتی و ضروری، نام برد :

جمع بین صلاتین در هنگام ضرورت:

محدثین مطابق روایات مینویسند که در زمان حیاتی پیامبر صلی الله علیه وسلم حالاتی پیش آمده است که مسلمانان در حالیکه مقیم بودند، ولی در وقت ضرورت به جمع بین صلاتین پرداخته اند .

از جمله در حدیثی از ابن عباس روایت است که : « رسول الله صلی الله علیه وسلم الظهر و العصر جميعا بالمدينة في غير خوف ولا سفر » «پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه در غیر زمان خوف و سفر نماز ظهر و عصر را با هم جمع کرد» .

ابوزبیر گفت : از سعید پرسیدم که چرا پیامبر صلی الله علیه وسلم این کار را کرد؟ گفت : همانطور که تو از من سؤال کردی، من هم از ابن عباس سؤال کردم گفت : « أراد أن لا يخرج أحداً من أمته » «خواست کسی از امتش را به سختی نیاندازد» .

(صحیح : (صحیح جامع صغیر 1068) .

همچنین در حدیثی دیگری از (ابن عباس) روایت است که : « جمع رسول الله صلی الله علیه وسلم بين الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدينة في غير خوف و لا مطر قيل لابن عباس، ما أراد إلى ذلك؟ قال : أراد أن لا يخرج أمته » «پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه در غیر ترس و باران نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم جمع کرد. به ابن عباس گفته شد : چرا این کار را کرد؟ گفت : خواست امتش را سختی نیافتد» .

(صحیح : (صحیح جامع الصغیر 1070) ، صحیح امام مسلم (1/489/705)، سنن نسایی (1/290)، سنن ابو داود (عون المعبود (4/7/1198)، ابوداود در آخر

نماز مسافر

این حدیث چیزی را اضافه روایت کرده است. (امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (5/219) میفرماید: « جماعتی از علماء بر این عقیده هستند که جمع در حضر هنگام ضرورت برای کسی که آنرا به عادت تبدیل نکند، جایز است. و این قول ابن سیرین و اشهب از اصحاب مالک است، همچنین این رأی را خطابی از قفال و شاشی کبیر از اصحاب شافعی از ابواسحاق مروزی از جماعتی از اصحاب حدیث نقل کرده‌اند و ابن منذر هم آنرا ترجیح داده است. ظاهر قول ابن عباس هم که گفته است: « أراد أن لا يجرح أمته » و جواز آنرا به مریض و غیره نسبت نداد، این نظریه را تأیید می‌کند. ».

جمع بین صلاتین در هنگام مریضی :

اگر حالاتی در زندگی انسان پیش آید که خدا ناخواسته انسان به مریضی صعب العلاج مبتلا گردد، و برایش مشکل باشد که هر نماز را در وقتش اداء کند، و یا هم خدا ناخواسته در زندگی اش حالاتی پیش آید که در زیر عمل جراحی قرار داشته باشد، و یا هم شخص خودش طبیب باشد که بعلت حضور در عملیات جراحی نتواند مریض را ترک کند، و از این قبیل مشقتها، و عذر ها، شخص میتواند، به جمع بین صلاتین مطابق فورمل شرعی، اقدام نماید. یعنی نمازهای ظهر را با عصر، و مغرب را با عشاء جمع کند تا وقتی که خدا سر اش رحم کند و از مریضی شفاء و از مشقت نجات یابد.

جمع بین صلاتین در هنگام باران شدید:

باران شدید یکی از مواردی است که در آن میتوان جمع بین الصلاتین را بعمل آورد، حکم این اصل در حدیثی روایت شده از نافع بشرح ذیل بیان گردیده است: « أن عبدالله بن عمر كان إذا جمع الأمراء بين المغرب والعشاء في المطر جمع معهم » (زمانی که باران می‌بارید امرا در بین مغرب و عشاء جمع می‌کردند، عبدالله بن عمر هم همراه آنان (دو نماز را) جمع می‌کرد).

همچنان از هشام بن عروه روایت است که: « پدرم عروه و سعید بن مسیب و ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام بن مغیره مخزومی نماز مغرب و عشا را در شب بارانی هرگاه می‌خواستند جمع می‌کردند و کسی ایراد نمی‌گرفت ». (صحیح : (الإرواء 3/40)، موطا امام مالک (102/328).

در حدیثی از موسی بن عقبه روایت است که: عمر بن عبدالعزیز هنگام باران، نماز مغرب و عشاء را با هم جمع می‌کرد و سعید بن مسیب و عروه بن زبیر و ابوبکر بن عبدالرحمن و بزرگان آن زمان با آنان نماز می‌خواندند و ایرادی بر این کار نمی‌گرفتند. (صحیح : (الإرواء 3/40)، بیهقی (168 و 3/169).

جمع بین صلاتین در هنگام داشتن مریضی مستحاضه :

برای آن‌ده از زنانیکه که به مرض « مستحاضه » (یعنی مرضی که عادت ماهانه اش هیچ قطع نمیشود و خون بطور مستمر خارج میشود) برای رفع مشقت میتواند نمازها را جمع کند، ولی شرط اش آن است که برای هر جمع نماز باید غسل کند، هکذا برای مردی که به مرض «سلس بول» (مرضی که بعلت از دست دادن کنترل ادرار،

نماز مسافر

ادرار بند نمیشود) مبتلا شده باشد نیز بهمین منوال، و همچنین برای امراضی که از این قبیل باشد.

خواننده محترم!

برای جمع کردن نمازها در حال مقیم سبب‌های دیگری هم وجود دارد که بصورت کل: همان شدت مریضی، حائض بودن زن، سلسل بول در مردان، بارش باران شدید، وجود کل و لای زیاد، وزیدن باد شدید (طوفان) و سردی شدید و یا هم گرمی شدید و امثالها این گونه مشکلات، که نماز گزار میتواند در حال مقیم بودن هم به جمع بین صلاتین بپردازد.

بنابراین بصورت کل گفته میتوانیم که در: حال مقیم بودن حالاتی وجود دارد که: قصر کردن نماز از تمام خواندن آن افضل‌تر است.

هکذا در سفر ترک کردن جمع بین نمازها افضل‌تر است مگر مواردی مثل نیاز شدید به جمع کردن یا شرکت در نماز جماعت، وجود داشته باشد. پس اگر مصلحتی در جمع کردن وجود داشت، جمع بین نمازها جایز است، و گرنه ترک آن بهتر است.

در روایتی از حضرت معاذ رضی الله عنه آمده است که: (آنها با پیامبر صلی الله علیه وسلم برای جنگ تبوک خارج شدند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء را باهم جمع کرد، و روزی نماز را به تأخیر انداخت، سپس از خیمه خارج شد و نماز ظهر و عصر را، به صورت جمع التأخیر، باهم خواند، سپس داخل خیمه اش شد، سپس از خیمه اش خارج شد و نماز مغرب و عشاء را باهم

خواند). نسائی (587)، ابوداود (1206)، موطأ مالک (143/1-144) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (303/1) و صحیح سنن نسائی (196/1) آن را صحیح دانسته است.

شیخ الإسلام ابن تیمیه در باره حکم این حدیث میفرماید: (از ظاهر حدیثی روایت شده چنین معلوم میشود که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر، نماز ظهر را به تأخیر انداخته سپس خارج شده و نماز ظهر و عصر را باهم خوانده، سپس به داخل خیمه اش رفته، سپس خارج شده و نماز مغرب و عشاء را باهم خوانده. و این روایت اشاره به این دارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم گاهی در سفر بین نمازها را جمع می‌کرد و گاهی جمع نمی‌کرده و این حالت، جمع نکردن - در اکثر سفرهایش نمایان بوده و مشخص می‌شود که جمع کردن بین نمازها در سفر، مثل قصر کردن نمازها، سنت نیست، بلکه در صورت نیاز چه در سفر یا غیر سفر بین آنها جمع می‌شود. و پیامبر صلی الله علیه وسلم گاهی در غیر سفر نیز برای اینکه امتش دچار سختی نشوند، بین نمازها را جمع می‌کرد پس شخص مسافر اگر نیاز به جمع کردن داشت، نمازهایش را جمع می‌کند، و فرقی نمی‌کند که در وقت دوم یا اول نماز در حال حرکت باشد یا توقف کردن برایش سخت باشد. یا با وجود توقفش نیازهای دیگر داشته باشد، مثل: احتیاج به خواب یا استراحت در وقت نماز ظهر یا وقت نماز عشاء، در وقت نماز ظهر در حالی که خسته، خواب‌آلود و گرسنه است و ضرورت به استراحت و غذا و خواب دارد، نماز ظهر را تا وقت نماز عصر به تأخیر می‌اندازد، یا چون می‌خواهد سر شب زود بخوابد تا

نماز مسافر

نصفه‌های شب که هوا خنک است بیدار شود و به سفرش ادامه دهد، نماز عشاء را به جلو می‌اندازد و در وقت نماز مغرب می‌خواند. و با این اوضاع برای چنین شخصی جمع بین نمازها جایز است. (برای مزید معلومات مراجعه شود به مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (65-64/24).)

حکم جمع التقدیم و جمع التأخیر:

شیخ عبدالعزیز بن باز رحمه الله در مورد حکم جمع التقدیم و جمع التأخیر می‌فرماید : (این مسئله اشاره به رعایت زمان رهسپاری : قبل از زوال آفتاب یا بعد از زوال آن ، دارد و شیوه جمع بین نمازها بستگی به زمان آغاز سفر دارد. اگر آغاز سفر قبل از وقت زوال آفتاب آغاز یابد ، شخص مسافر به صورت جمع التأخیر نمازهایش را می‌خواند و اگر آغاز سفر بعد از وقت زوال آفتاب آغاز یابد ، شخص مسافر به صورت جمع التقدیم نمازهایش را می‌خواند.

و جمع التقدیم بهتر و مناسبتر است. هر چند که هر دو نوع جمع جایزند، چون در این حالت وقت هر دو نمازی که با هم جمع می‌شوند به عنوان یک وقت واحد محسوب می‌شوند، پس چه در اول وقت و چه در آخر وقت نمازش را بخواند، ممانعتی ندارد، در حالت سفر یا مرضی، وقت نماز ظهر و عصر با هم به عنوان یک وقت واحد حساب می‌شوند. و وقت نماز مغرب و عشاء نیز به عنوان یک وقت واحد محسوب می‌شوند. ولی بهتر و مناسبتر آن است که نماز در اول وقتش خوانده شود (جمع التقدیم). (شرح بر بلوغ المرام، حدیث (462).

و دلیل بر درست بودن جمع التقدیم روایت معاذ رضی الله عنه است که (با رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای جنگ تبوک از مدینه خارج شدیم، و او نماز ظهر و عصر را با هم و نماز مغرب و عشاء را باهم خواند). (مسلم (106).

رعایت ترتیب در جمع بین صلاتین :

قبل از همه باید گفت که : ترتیب بین نمازها در هنگام جمع صلاتین شرط است. زیرا شرع اوقات نماز را به ترتیب ذکر نموده است ، و واجب است که هر نمازی در محل و رتبه خود خوانده شود.

مثلاً اگر نماز ظهر را به نماز عصر ببریم و جمع التأخیر بخوانیم، اول باید نماز ظهر خوانده شود و بعد از آن نماز عصر را باید بخوانیم. چنانکه در احادیث متعددی این امر بیان گردیده است و پیامبر صلی الله علیه وسلم همیشه این ترتیب را در نمازهای خویش رعایت می‌فرمودند:

اسامه بن زید رضی الله عنه می‌گوید : (پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی که به مزدلفه آمد، از شترش پایین آمد و وضوءی کاملی گرفت، سپس نماز اقامه شد، و نماز مغرب را برای مردم خواند، سپس هر کس شترش را کنار محل اطرافش، خواباند، سپس نماز عشاء اقامه شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عشاء را برای مردم خواندن و بین این دو نماز، هیچ نماز سنتی نخواند). (متفق علیه، بخاری (1672)، مسلم (1280). در روایتی از معاذ رضی الله عنه آمده است که : (آنها با پیامبر صلی الله علیه وسلم برای جنگ تبوک خارج شدند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر و عصر، مغرب

نماز مسافر

و عشاء را باهم جمع کرد، و روزی نماز را به تأخیر انداخت، سپس از خیمه اش خارج شد و نماز ظهر و عصر را - به صورت جمع التأخیر - باهم خواند، سپس داخل خیمه اش شد، سپس از خیمه اش خارج شد و نماز مغرب و عشاء را باهم خواند. نسائی (587)، ابوداود (1206)، موطأ مالک (143/1-144) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (303/1) و صحیح سنن نسائی (196/1) آن را صحیح دانسته است.

حال اگر انسان این ترتیب را فراموش کند یا اینکه وقت نماز رسیده و گروهی نماز عشاء را به صورت جماعت خواندند و شخص مسافر قصد جمع تأخیر داشته باشد، آیا جایز است با آنها نماز عشا بخواند یعنی نماز مغرب را بعد از عشاء بخواند؟ شیخ ابن عثیمین در شرح الممتع می گوید: فقهاء می گویند: خیر، برای او صحیح نیست که عشا بخواند بلکه باید بعد از نماز مغرب، نماز عشايش را بخواند. (شرح الممتع جلد چهارم)

قصر و جمع نماز و نیت ان:

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم، نماز ظهر و عصر، و نماز مغرب و عشا در هنگام سفر به صورت قصر و جمع خوانده میشود. مثلاً ابتدا دو رکعت ظهر میخوانید بعد سلام میدهید و بلافاصله دو رکعت دیگر به نیت نماز عصر میخوانید و سلام میدهید. 1- برای نیت نیازی نیست بر زبان بیاورید کافی است در دل نیت قصر و جمع نماز ظهر و عصر را داشته باشید. 2- رعایت ترتیب زمانی نمازها لازم است باید اول نماز ظهر سپس نماز عصر خواند. 3- وقتی میخوانید نماز ظهر و عصر را جمع بخوانید از بعد از آذان ظهر تا قبل از آذان مغرب وقت دارید که نمازهایتان را بخوانید 4- نماز شام و یا مغرب شکسته نمیشود و همان سه رکعت خوانده میشود اما نماز عشا را دو رکعت میخوانیم.

قضاء آوردن نماز مسافرت:

قاعده کلی در اسلام است نمازی که عمداً ترك شود تا وقتش بگذرد، قضا ندارد، چه برای فرد مقیم و چه برای مسافر، و کسی که عمداً نماز خود را قضا می کند بدون آنکه عذری داشته باشد، برخی از علماء فتوای کفر و ارتداد وی را داده اند و لذا گفته اند که باید بلافاصله توبه کند و دیگر نمازش را قضا نکند و منظور از عذر هم فقط دو مورد است:

- 1- خواب ماندن،
 - 2- فراموش کردن.
- حکم هردو موارد در حدیثی از حضرت انس رضی الله عنه بشرح ذیل بیان گردیده است: « من نسی صلاة أو نام عنها فكفارتها أن يصلّيها إذا ذكرها » (هر کس نمازی را فراموش کند یا به خواب برود و نمازش را نخواند، کفاره آن این است که هرگاه به یادش آمد آن را بخواند). مسلم (684)

نماز مسافر

اما اینکه شارع برای مسافران این رخصت را قرار داده که نمازهایشان را قصر کنند، برای آن بوده که در مشقت نیافتند ولی هرگز به مسافر اجازه نداده که نمازهایش را فوت کند و بعداً قضا کند.

بنابراین به هیچ وجه نمی توان نماز ظهر و عصر را در وقت مغرب خواند، بلکه نهایتاً جایز است که نماز خود را در سفر جمع کنید، و جمع هم فقط دو حالت دارد:

1- ظهر با عصر (در وقت یکی از آنها)

2- مغرب با عشا (در وقت یکی از آنها)

ولی کسی نمی تواند ظهر و عصر را به وقت غیر آنها (مثلاً مغرب یا صبح) ببرد. و اگر چنین نماید در حقیقت نماز خود را نخوانده و دیگر با قضا قابل جبران نیست، زیرا نماز وقت مشخص دارد که اگر در آن وقت خوانده نشود، فرد بری‌الذمه نخواهد شد؛ «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» (نساء 103) (یعنی: برآستی که نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است.)

ابن حزم رحمه الله در «المحلی» (2/235) می‌گوید:

همانا خداوند متعال برای هر نماز فرضی وقت معینی را قرار داده که آغاز و پایانش مشخص است، بطوریکه در زمان مشخصی وقت آن فرا می‌رسد، و نیز در وقت معینی وقت آن به پایان می‌رسد، بنابراین کسی که نمازش را بعد از خارج شدن وقتش می‌خواند، مثل کسی که نماز را قبل از دخول وقتش خوانده باشد، چون هر دوی آنها در غیر وقت خودشان نماز خوانده‌اند.

همچنین حکم کردن به قضای نماز باید از جانب خدا بیان شده باشد، زیرا حکم کردن به چیزی یک نوع قانونگذاری به حساب می‌آید، و این کار مختص الله است که آن را توسط پیامبرش ابلاغ کرده است و اگر بر کسی که نماز را عمداً تا خروج وقت آن ترک کند قضایی واجب می‌بود، خداوند متعال و رسول او صلی الله علیه وسلم از ذکر آن غفلت نمی‌کردند و آن را هم فراموش نکرده‌اند و با ترک بیان آن عمداً ما را در سختی قرار نمی‌دادند: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (سوره مریم: 64) «و پروردگار تو فراموشکار نبوده است». و هر قانونگذاری و حکمی که منشأ آن قرآن و سنت نباشد، باطل است.

پس مسافر می تواند در سفر نمازهای چهار رکعتی را دورکعت بخواند، و اگر شرایط ضروری و اضطراری بود، می تواند ظهر را با عصر، و مغرب را با عشاء جمع بخواند، ولی اگر شرایط اضطراری نبود، فقط قصر کند یعنی در وقت نماز ظهر، آنرا دو رکعت بخواند، و در وقت عصر، آنرا دو رکعت بخواند، در مغرب بصورت کامل بخواند، و نماز عشاء را در وقت خود دو رکعت بخواند.

ولی اگر شخص به منزل رسید، دیگر حق ندارد نماز خود را قصر کند، ولی اگر مجبور بود می تواند نماز را در منزل جمع کند، مثلاً فرض کنید فردی در داخل سرویس است و وقت نماز ظهر فرا رسیده و تا بعد از آذان عصر به مقصد نمی‌رسد، او می تواند نماز ظهر را فعلاً تا رسیدن به منزل نخواند و بعداً در منزل با نماز عصر جمع کند ولی نباید هیچکدام را قصر کند، یعنی هم ظهر و هم عصر را چهار رکعتی بخواند.

ولی اگر احتمال می‌دهد که تا مغرب به منزل نمی‌رسد، او می‌بایست در راه نماز خود

نماز مسافر

بخواند، و در این حالت می تواند نماز عصر را با ظهر بصورت قصر و جمع بخواند.

یادداشت:

اگر شخص نمازی را در غیر سفر فراموش کرده باشد و بعداً در سفر یادش آید که آن را نخوانده است، بر اساس فتوای اجماع علماء واجب است که آن را به صورت تمام بدون قصر کردن بخواند. چون نماز چهار رکعتی در غیر سفر بر او فرض شده پس جایز نیست که در آن نقص ایجاد کند. و او در اصل قضای نماز فوت شده را می کند که آن نماز هم چهار رکعتی بود.

اما اگر شخص نمازی را در سفر فراموش کرده و بعداً در غیر سفر یادش آید که آن را نخوانده است، امام احمد در مورد آن می گوید: شرط احتیاط آن است که نمازش را به طور تمام بخواند و امامان اوزاعی، داود و شافعی در یکی از اقوالش چنین فتوا داده اند، و امامان مالک، امام ثوری و اهل رأی می گویند:

آن را به صورت نماز سفر بخواند، زیرا او قضای نماز فوت شده را می کند و فقط دو رکعت نماز هم از او فوت شده است المعنی، ابن قدامه (141/3-142).

شیخ محمدبن صالح العثیمین در مورد کسی که نمازی را در سفر یادش رفته و سپس در غیر سفر یادش می آید، قول راجح را این دانسته که آن نماز را بصورت قصر بخواند، چون آن نماز در سفر بر او واجب شده و نماز سفر دو رکعت است، پس لازم نیست تمام خوانده شود، بر این اساس این مسئله دارای 4 شکل می باشد:

- 1- نماز سفر را در سفر یادش می آید، پس آن را به صورت قصر می خواند.
- 2- نماز غیر سفر را در غیر سفر یادش می آید، پس آن را به صورت تمام می خواند.
- 3- نماز سفر را در غیر سفر یادش می آید، پس بنا بر قول صحیح آن را بصورت قصر می خواند.

4- نماز غیر سفر را در سفر یادش می آید، پس آن را به صورت تمام می خواند. الشرح الممتع، ابن عثیمین (517/4-519)، (542/5-543).

و اگر شخص نمازی را در سفر فراموش کرد و در همان سفر یا سفر دیگری یادش آمد، آن را به صورت قصر قضا کند، چون آن نماز در سفر بر او واجب شده و در سفر نیز آن را ادا کرده است. (المعنی ، ابن قدامه جلدی سوم 142).

اشتباه در نماز های قصری :

اگر شخصی مسافر که مصروف خواندن نماز مسافری (قصر) باشد ، بعد از آنکه دو رکعت نماز خویش را خواند ، فراموش کرد که مسافر است ، یکسره برای اداء رکعت سوم بلند می شود، آیا بر او لازم است که بلافاصله بازگردد و سلام دهد یا اینکه نماز خود را کامل چهار رکعت بخواند؟

حکم شرعی در این مورد عبارت است از :

« افضل آنست که بازگردد، زیرا او قصد دارد تا دو رکعت نماز بخواند، پس باید دو رکعت خوانده و بر آن نیفزاید، و پس از آنکه بازگشت و سلام داد دو سجده ی سهو ببرد، اما اگر احياناً بازنگشت و خواست تا نماز خود را کامل (چهار رکعت) بخواند اشکالی ندارد.

نماز مسافر

(مجموع فتاویٰ الشیخ ابن عثیمین « (32/14) . الحافظ أبو بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر بن الجارود النیشاپوری یکی از مفسران معروف و مشهور جهان اسلام است که در سده چهارم زندگی بسر برده است.

یادداشت توضیحی : در مورد نماز مسافر و تقصیر آن :

اگر مسافر قبل از سفر در شهر و یا قریه خویش نماز را در یابد ، چنانچه در آنجا نماز بخواند، نباید آنرا قصر نماید، زیرا هنوز از شهر خویش خارج نشده است. ولی اگر شخص از شهر و دیار خویش خارج شود و در مسیر راه قصد نماز کند، در آنصورت نمازش را دو رکعت (بصورت قصر) بخواند هر چند هنگامی که او در شهر بوده آذان داده باشد، یعنی ملاک؛ انجام نماز است، همچنین اگر زمانی در سفر باشید وقت نماز فرا رسد ولی قبل از آنکه نماز بخوانید به شهر خود برسید، در اینحالت چهار رکعت بخوانید.

پس قاعده کلی عبارت است :

معیار در شرع ادای نماز است، حالا اگر در سفر نماز خواندید آنرا قصر کنید، و اگر در حضر (شهر و دیار خود) نماز خواندید آنرا بطور کامل بخوانید .
(تفصیل موضوع را میتوان در لقاء الباب المفتوح شیخ عثیمین مطالعه فرماید)

حکم نوافل در مسافرت :

در بسیاری از اوقات سوالی در ذهن مسلمان خطور میکند که آیا در سفر بهتر است که نماز تهجد خوانده شود و یا بهتر است که مثل نمازهای سنت دیگر خوانده نشود؟ در اینمورد نظریات فقها اسلام متعدد و مختلف میباشد که غرض روشن شدن موضوع به برخی از این نظریات اشاره مینمایم :

- 1- بعضی از فقهاء گفتند: خواندن هر نماز نافله ای در سفر ممنوع است.
 - 2- جمهور فقهاء گفتند: خواندن هر نماز نافله ای در مسافرت جایز است، چه رواتب یا غیر آن.
 - 3- شیخ الاسلام و شاگردش ابن قیم گفتند: در سفر خواندن نماز سنت رواتب ، بجز دو رکعت راتبه صبح - جایز نیست، اما در عوض خواندن سایر نمازهای نافله جایزند.
 - 4- بعضی دیگر از فقهاء گفتند: نمازهای سنت تنها در طول روز نباید خوانده شوند، اما نماز سنت شب (وتر و تهجد) جایز هستند.
 - 5- امام بخاری معتقد است: بعد از خواندن نماز فریضه نباید هیچ نافله ای خوانده شود، اما قبل از نماز فریضه جایز است، عنوان را در کتاب خود تحت (ترک نماز سنت پس از نماز فرض، در سفر) آورده است، همچنین معتقد است که خواندن سنت مطلق در سفر جایز است. و حافظ ابن حجر این رای را تقویت کرده است.
- و علت این اختلافات بخاطر وجود روایات مختلف در این باره است، که هر کدام کوشیده بین آنها جمع حاصل کند و رای درست تر را کشف نماید.
- در صحیح بخاری (1102) از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که گفت: «صَحَبْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّ أَرَهُ يُسَبِّحُ فِي السَّفَرِ وَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)».

نماز مسافر

یعنی: « در تمام مدتی که با پیغمبر بودم هیچگاه ندیدم که نماز رواتب را در سفر بخواند و خداوند تبارک و تعالی هم می‌فرماید: (اخلاق و رفتار رسول خدا برای شما بهترین نمونه و سرمشق می‌باشد). و مسلم در صحیح خود به شماره (680) از حدیث ابوقتاده رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر نماز راتبه صبح را خواندند.

و در قسمت « کتاب صلاة المسافرين وقصرها » نزد مسلم از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفته: « أن النبي صلى الله عليه وسلم لم يكن على شيء من النوافل أشد معاهدة منه على ركعتين قبل الصبح » مسلم (724).

یعنی: « همانا پیامبر صلی الله علیه وسلم بر هیچیک از نمازهای نافله به اندازه دو رکعت سنت قبل از صبح مواظبت نکردند ».

همچنین در صحیحین آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه هشت رکعت نماز ضحی خواندند. بخاری (357) و مسلم (336).

و در سنن ابوداود شماره (1269) از ابوهریره رضی الله عنه آمده که گفته: « أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثٍ لَا أَدْعُهُنَّ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضَرَ رَكْعَتِي الضُّحَى وَصَوْمَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنَ الشَّهْرِ وَأَنْ لَا أُنَامَ إِلَّا عَلَى وَتْرٍ ». یعنی: « رفیق و دوستم (یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم) مرا به سه چیز وصیت کردند که آنها را نه در سفر و نه در حضر ترک نکنم: دو رکعت نماز ضحی، و سه روز روزه (وسط) هر ماه (یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری) و اینکه تا نماز وتر نخوانم نخواهم ». و باز در صحیح بخاری آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر نماز وتر را خوانده اند. بخاری (1000).

و باز بخاری در صحیح خود از عامر بن ربیع رضی الله عنه روایت کرده: « أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى السُّبْحَةَ بِاللَّيْلِ فِي السَّفَرِ عَلَى ظَهْرِ رَاحِلَتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ ». (بخاری: 1104). یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم رادیدم که شب هنگام در سفر در حالیکه سوار بر شتر بود و چهره اش به سمت مسیر شتر بود، نماز نقل می خواند.

اما با جمع بین احادیث وارده، رای راجح چنین است که: خواندن تمامی نمازهای نافله در سفر جایز و بلکه ترک نمازهای نافله کاری پسندیده نیست، یعنی خواندن آنها بهتر است، البته بجز نمازهای راتبه ظهر و مغرب و عشاء، چه راتبه قبلیه باشد یا بعدیه، که ترک آنها بهتر است، بنابراین خواندن نماز راتبه صبح یا مثلا نماز سنت وضوء یا سنت ضحی یا تحية المسجد یا نماز وتر و تهجد و یا نماز سنت مطلق (یعنی بدون سبب) در مسافرت بهتر از ترک کردنشان است.

شیخ ابن عثیمین در این باره گفته: « من در سنت نبوی درباره نمازهای نافله (در سفر) تأمل نموده و برایم روشن شده که راتبه ظهر و مغرب و عشاء خوانده نمی شوند، اما دیگر نمازهای نافله مانند راتبه فجر، یا سنت وتر، و نماز شب، و نماز ضحی، و تحية المسجد و حتی نمازهای سنت مطلق خوانده می شوند ». (مجموع فتاوی ابن عثیمین . (258/15).

نماز مسافر

احکام قصر و جمع نماز در سفر:

- 1- قبل از همه باید گفت که نماز صبح به هیچ صورت با نماز فرض قبل و یا بعد از آن جمع نمیشود.
 - 2- نماز پیشین (ظهر) و عصر با یکدیگر هنگام سفر جمع و قصر میگردند، چه جمع تقدیم و چه جمع تأخیر.
 - 3- نماز مغرب (شام) و عشاء (خفتن) با یکدیگر هنگام سفر جمع و قصر میگردند، چه جمع تقدیم و چه جمع تأخیر.
 - 4- نماز مغرب به هیچ وجه قصر نمیگردد، و فقط با نماز عشاء هنگام سفر جمع میگردد.
 - 5- در هنگام سفر، اگر مسافر از شهر اقامتش خارج شده باشد، نماز ظهر را با عصر، و نماز مغرب را با عشاء میتواند جمع و قصر کند، ولی اگر هنوز از شهرش خارج نشده باشد فقط میتواند نماز را جمع کند و قصر کردن قبل از سفر روا نیست.
 - 6- در سفری که نیت مسافر معصیت باشد قصر و جمع برای او جائز نیست، مثلا اگر کسی به نیت دزدی به شهری دیگر سفر کند برای او احکام سفر مانند قصر و جمع، مسح روی جوراب، و باقی احکام سفر اجرا نمیشود.
 - 7- اگر کسی قصد سفر داشت و قصد جمع تأخیر نماز را داشت حتما بایست نیت جمع تأخیر را داشته باشد، و این نیت از زمان وقت نماز اول (یعنی ظهر و یا مغرب) شروع میشود و تا اندازه کمی قبل از انتهای وقت آن نماز ادامه میابد، ولی اگر نیت نکرد آن نماز قضا میشود و تأخیر بحساب نمآید. مثلا کسی که در وقت ظهر نیت سفر کند و بخواهد با نماز عصر جمع تأخیر بخواند حتما باید هنگام وقت ظهر آن نیت را در قلبش داشته باشد، ولی اگر نیت نکرد و نماز ظهر را بجای نیآورد تا اینکه وقتش گذشت در اینصورت نماز ظهرش در واقع قضا شده است و گناهکار میشود.
- دلیل اینکه نمازها را میشود جمع تقدیم و یا تأخیر کرد اینست که، امام بخاری و مسلم از عبدالله ابن عمر روایت کرده اند که گفت: « رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ را دیدم که اگر در سفرش عجله داشت نماز مغرب را تأخیر میانداخت تا اینکه با نماز عشاء بصورت جمع بخواند».

نماز مسافر پشت سر امام مقیم:

- در این مورد قول راجح علماء و فقها همین است، زمانیکه مسافر پشت مقیم نماز میخواند باید نماز خویش را کامل بخواند.
- شیخ ابن عثیمین د مجموع فتاوا و رسایل (15/ 268) درمورد نماز مسافر پشت امام مقیم مینویسد: «اگر مسافر به امامی اقتدا بکند که این امام نمازش را کامل میخواند پس باید (این مسافر) نماز اش را کامل بخواند».
- بنابراین اگر مسافری به امام مقیمی اقتدا نماید بر او اتمام نماز لازم است، خواه مسبوق باشد و یا غیر مسبوق. در این مسئله هیچ فرقی بین نماز ظهر، عصر و نماز عشاء وجود ندارد. ما به دلیل عام بودن حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ همین فتوا را درست و حق می دانیم، در آنجا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ می فرماید: « فَمَا

نماز مسافر

أَدْرِكْتُمْ فَصَلُّوا وَ مَا فَاتَكُمْ فَاتَمُّوا». (مقداری را که با امام رسیدید بخوانید و آنچه را که نرسیدید) پس از سلام امام (کامل کنید)

دلیل دیگر این است که چون نماز مقتدی مرتبط با نماز امام است و مقتدی مأمور به اقتدا به امامش می‌باشد. (برای معلومات مزید مراجعه شود: «الْمَغْنَى» از ابن قدامه (63/2) و بخاری (908،636،635) مسلم 602). (63/2)

حکم شرعی در متابعت مسافر از امام مقیم:

طوریکه در فوق یاد آور شدیم، اگر برای مسافر حالتی پیش آید که پشت سر امام مقیم نماز می‌خواند، مسافر باید از امام متابعت نموده، باید نمازش را بطور کامل بخواند، چه کل (رکعات) نماز را (همراه امام) دریابد یا یک رکعتش را، و یا کمتر از آن.. و این از ابن عمر و ابن عباس و تعدادی از تابعین روایت شده، و (امام احمد) و امام ابوحنیفه و امام شافعی نیز بر همین رأی هستند.

احادیثی حکمی در این بابت:

1- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ» بخاری (722) و مسلم (414). یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود؛ پس از وی تخلف نکنید». و کسی که (در وسط نماز) از امام جدا شود، از وی تخلف ورزیده، و این منافی با حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم است.

2- امام احمد از ابن عباس روایت کرده: «أَنَّ قَيْلَ لَهُ: مَا بَالُ الْمَسَافِرِ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ فِي حَالِ الْإِنْفِرَادِ وَأَرْبَعًا إِذَا انْتَمَّ بِمُقِيمٍ؟ فَقَالَ: تِلْكَ السُّنَّةُ» «إِرْوَاءُ الْغَلِيلِ» (571). یعنی: «به ابن عباس گفته شد: حال مسافری که در حالت انفرادی دو رکعت نماز می‌خواند و هرگاه به مقیم اقتداء کرد چهار رکعت می‌خواند، چیست؟ گفت: این کار سنت است».

این جواب ابن عباس رضی الله عنه دلالت دارد که عمل چنین شخصی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم است.

3- ابن عمر رضی الله عنهما نیز چنین کرده است، چنانکه امام مسلم از نافع روایت کرده: «فَكَانَ ابْنُ عُمَرَ إِذَا صَلَّى مَعَ الْإِمَامِ صَلَّى أَرْبَعًا، وَإِذَا صَلَّى وَحْدَهُ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ» مسلم (694).

یعنی: «ابن عمر هرگاه همراه امام نماز می‌خواند چهار رکعت می‌خواند، و اگر بتهایی نماز می‌خواند دو رکعت می‌خواند». مراجعه کنید: «الْمَغْنَى» (143/3) همچنین شیخ ابن عثیمین می‌گوید: «اگر مسافر پشت سر مقیم نماز بخواند بر او واجب است نمازش را تمام و کمال بخواند، به دلیل عموم فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ». یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود». (متفق علیه)

و برای اینکه صحابه رضی الله عنهم پشت سر امیر المومنین حضرت عثمان بن عفان در حج و در منی که چهار رکعت خواند، با او چهار رکعت خواندند. و همینطور اگر امام در دو رکعت آخر باشد و مسافر در آن لحظه به وی اقتداء کند، باید مسافر بعد از سلام امام برخیزد و مابقی نمازش را ادامه دهد تا چهار رکعت وی تکمیل

نماز مسافر

شود، به دلیل عموم فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : « فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتِمُّوا ». یعنی : « هر چه از نماز را دریافتید؛ بخوانید و هر چه از شما فوت شد (پس از سلام امام) آن را تمام کنید ». بخاری (635) و مسلم (603).

و چونکه در اینحالت نماز ماموم به امام مرتبط است، پس باید از او پیروی کند حتی در آن رکعتهایی که با او همراه نبوده است. « لقاء الباب المفتوح، صفحه 40-41.) امام بیهقی به سند صحیح از ابو مجلز روایت میفرماید : « قلت لابن عمر : المسافر یدرک رکعتین من صلاة القوم، یعنی المقیمین، اتجزیه الركعتان او یصلی بصلاتهم ؟ قال : فضحک وقال : یصلی بصلاتهم » (رواه البیهقی : 3-157 كما فی الارواء : 3-22 و سنده صحیح)

(ابو مجلز میفرماید : من از ابن عمر پرسیدم : زمانیکه مسافر پشت سر امام مقیم دو رکعت نماز بجاء آورد آیا برایش این دو رکعت نماز کافی است ؟ و یا اینکه مسافر مانند مقیم نماز خویش را بطور مکمل بجاء آورد (یعنی چهار رکعت) بخواند ؟ ابن عمر خندید و فرمود : مسافر پشت سر مقیم نماز کامل را بجاء میآورد . این حدیث و سایر احادیثی که در فوق گذشت این حکم را به صراحت میرساند که : که مسافر در پشت امام مقیم نماز را بصورت کامل بجاء آورد . (این قول ابن عباس و تعدادی کثیری از تابعین از جمله امام احمد ، امام شافعی ، امام ابو حنیفه ، امام ثوری ، امام اوزاعی و سایر علماء میباشد .)

احکام جمع و تقصر در نزد امام ابوحنیفه (رح):

در بدو باید گفت که : تمامی مذاهب اربعه به قصر و جمع کردن نماز در مسافرت فتوا داده اند.

و حتی در مذهب امام صاحب ابوحنیفه قصر کردن نماز در سفر واجب است.

اما پیروان امام ابوحنیفه جمع کردن نماز در سفر را جایز نمی دانند بجز در روز عرفه و مزدلفه.

پیروان امام ابوحنیفه (رح) میفرمایند که : خواندن دو نماز در يك وقت طوری که يك نماز را در وقت نماز دیگر بخواند جایز نیست، بجز نماز ظهر و عصر در میدان عرفات و مغرب و عشاء در مزدلفه برای حاجیان، و رسول الله صلی الله علیه وسلم در اوقات دیگر دو نماز را با هم طوری که آنها را در يك وقت بخواند جمع نفرموده است. آنچه در برخی روایات آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم دو نماز را جمع نموده است، توضیحش اینست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم گاهی که عذری پیش می آمد، مانند سفر نماز ظهر را در آخر وقت و نماز عصر را در اول وقت می خواند، نیز نماز مغرب را در آخر وقت و نماز عشاء را در اول وقت می خواند و به این صورت جمع می فرمود، و این همان جمع صوری است که امام ابوحنیفه رحمه الله به آن قائل است، نه جمع حقیقی. یعنی به ظاهر جمع است اما درحقیقت هر نمازی در وقت خودش خوانده می شود ، و برای اثبات حکم خویش دلایل ذیل را استناد نموده است .

دلیل اول:

خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (سوره

نماز مسافر

النساء : 103) یقیناً نماز بر مؤمنان فرضی است که دارای وقت می باشد. (عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: «إن للصلاة وقتا كوقت الحج». (تفسیر ابن کثیر) همانا برای نماز وقتی است مانند وقت حج .

دلیل دوم:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (سوره البقرة : 238) ابن جریر طبری رحمه الله می نویسد: «واظبوا على الصلوات المكتوبات في أوقاتها، وتعاهدوهن والزموهن، وعلى الصلاة الوسطى منهن. یعنی بر نمازهای فرض در اوقاتشان مواظبت نمائید، و بر آنها پایبندی کنید و آنها را لازم بگیرید، بخصوص از میان آنها بر نماز وسطی محافظت کنید. (تفسیر الطبری).
ابن کثیر رحمه الله می نویسد: «يأمر الله تعالى بالمحافظة على الصلوات في أوقاتها، وحفظ حدودها وأدائها في أوقاتها» خداوند به محافظت بر نمازها در اوقاتشان و حفظ حدود آنها و ادای نمودن آنها در اوقاتشان، دستور می دهد. (تفسیر ابن کثیر) آیا کسی می تواند قبل از رسیدن وقت حج، اعمال حج را ادا کند، مسلماً خیر، نماز نیز همینطور است. تازمانیکه وقت نماز داخل نشده، آن نماز فرض نیست و ادا قبل از فرض شدن صحیح نیست. مانند اینکه شخصی اول کفاره ادا کند بعد خود را حائث بگرداند، (یعنی قسمش را بشکند) در اینصورت آن کفاره قبلی معتبر نیست.

دلیل سوم:

« عَنْ عَمْرِو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الشَّعْثَاءِ جَابِرًا قَالَ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَمَانِيًا جَمِيعًا وَسَبْعًا جَمِيعًا قُلْتُ يَا أَبَا الشَّعْثَاءِ أَظُنُّهُ أَخَرَ الظُّهْرِ وَعَجَلَ العَصْرَ وَعَجَلَ العِشَاءَ وَأَخَرَ المَغْرِبَ قَالَ وَأَنَا أَظُنُّهُ (صحیح البخاری ، باب مَنْ لَمْ يَتَطَوَّعْ بَعْدَ المَكْتُوبَةِ) عمرو می فرماید: از اباالشعثاء یعنی جابر شنیدم که فرمود: من از ابن عباس رضی الله عنهم شنیدم که فرمود: من با رسول الله صلی الله علیه و سلم هشت رکعت را به صورت جمع و هفت رکعت را به صورت جمع خواندم، من گفتم ای اباالشعثاء گمان می کنم که آنحضرت صلی الله علیه و سلم ظهر را به تأخیر انداخت و عصر را زود خواند و عشاء را زود خواند و مغرب را به تأخیر انداخت، ابن عباس فرمود: نظریه من هم همین است.
توضیح: این حدیث به صراحت روش جمع نمودن را که از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است بیان نموده است که جمع حقیقی نبوده بلکه جمع صوری بوده است که احناف به آن قائل هستند.

دلیل چهارم:

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بِالْمَدِينَةِ سَبْعًا وَثَمَانِيًا الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ فَقَالَ أَيُّوبُ لَعَلَّهُ فِي لَيْلَةٍ مَطِيرَةٍ قَالَ عَسَى (صحیح البخاری ، باب تأخیر الظُّهْرِ إِلَى العَصْرِ) . از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم در مدینه هفت رکعت و هشت رکعت؛ یعنی ظهر و عصر را و مغرب و عشاء را به صورت جمع خواند، ایوب به ابن عباس گفت: شاید آن در شب بارانی بوده است ابن عباس فرمود: شاید.

نماز مسافر

توضیح : امام بخاری رحمه الله از این حدیث بر تأخیر ظهر تا وقت عصر استدلال نموده است. علامه عینی رحمه الله می نویسد: از همه ی تأویلات بهترین تأویل که به قبول نمودن نیز نزدیک تر است، اینست که: نماز اول را تا آخر وقت تأخیر نموده و آخر وقت خوانده است، بعد از فارغ شدن وقت نماز دوم داخل شده و نماز دوم را خوانده است. (عمدة القاری - (13 / 78) المكتبة الشاملة. واین حدیث که در دلیل پنجم ذکر می کنیم این تأویل را تأیید می کند.

دلیل پنجم:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ مَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى صَلَاةً بغيرِ مِيقَاتِهَا إِلَّا صَلَاتَيْنِ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَصَلَّى الْفَجْرَ قَبْلَ مِيقَاتِهَا (صحيح البخاری، باب متى يُصَلِّي الْفَجْرَ بِجَمْعٍ) عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: ندیدم که پیغمبر صلی الله علیه و سلم نمازی را در غیر وقتش بخواند مگر دو نماز را، مغرب و عشاء را (در مزدلفه) جمع نمود و نماز صبح را قبل از وقت (همیشگی اش) خواند.

توضیح :

علامه عینی رحمه الله می نویسد: این حدیث عمل نمودن بر هرحدیثی را که در آن جواز جمع بین ظهر و عصر، مغرب و عشاء آمده باطل می کند، چه در حضر باشد یا در سفر یا وقتی دیگر. و هذا الحديث يبطل العمل بكل حديث فيه جواز الجمع بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء سواء كان في حضر أو سفر أو غيرهما (عمدة القاری - (13 / 78) المكتبة الشاملة.

دلیل ششم:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَعْجَلَهُ السَّيْرُ فِي السَّفَرِ يُؤَخِّرُ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْعِشَاءِ قَالَ سَأَلْتُهُ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَفْعَلُهُ إِذَا أَعْجَلَهُ السَّيْرُ وَيَقِيمُ الْمَغْرِبَ فَيُصَلِّيُهَا ثَلَاثًا ثُمَّ يُسَلِّمُ ثُمَّ قَلَّمَا يَلْبَثُ حَتَّى يَقِيمَ الْعِشَاءَ فَيُصَلِّيُهَا رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يُسَلِّمُ وَلَا يُسَبِّحُ بَيْنَهُمَا بِرَكَعَةٍ وَلَا بَعْدَ الْعِشَاءِ بِسُجْدَةٍ حَتَّى يَقُومَ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ (صحيح البخاری، باب هل يُؤَدُّنْ أَوْ يَقِيمُ إِذَا جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ). از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم هرگاه رفتن او را در سفر، شتابزده می کرد نماز مغرب را به تأخیر می انداخت تا اینکه آنرا با نماز عشاء جمع می نمود، سالم می فرماید: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نیز وقتی که رفتار او را عجله می کرد اینچنین می کرد، مغرب را اقامه می نمود و سه رکعت می خواند سپس سلام می داد، سپس خیلی کم درنگ می کرد تا اینکه عشاء را اقامه کند و آنرا دو رکعت می خواند، سپس سلام می داد و بین این دو نماز حتی يك رکعت هم نفل نمی خواند و بعد از عشاء يك سجده هم نمی کرد تا اینکه وسط شب بر می خواست.

توضیح : این حدیث نیز صریح است در اینکه جمع صوری بوده نه جمع حقیقی، که يك نماز در وقت نماز دیگر خوانده شود.

دلیل هفتم :

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا بِالْمَدِينَةِ

نماز مسافر

فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ قَالَ أَبُو الزُّبَيْرِ فَسَأَلْتُ سَعِيدًا لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَالَ سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ كَمَا سَأَلْتَنِي فَقَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ « (از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز ظهر و عصر را در مدینه با هم می خواند، بدون اینکه ترسی یا سفری باشد، ابو زبیر می گوید: از سعید پرسیدم چرا این کار را کرده است، گفت من از ابن عباس پرسیدم، چنانکه تو از من پرسیدی، فرمود: خواست که هیچ يك از امت خویش را در تنگی نیندازد.) (صحیح مسلم ، باب الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي الْحَضَرِ).

توضیح مختصر :

علامه نیموی می فرماید: علماء تأویلاتی برای این حدیث بیان نموده اند، لیکن همه ی آنها ضعیف اند، مگر اینکه این حدیث بر جمع صوری حمل شود. (آثار السنن، صفحه 222)

یادداشت توضیحی:

جمع بین الصلواتین (جمع کردن نماز) در یک وقت در نزد علماء احناف به سه صورت ذیل اداء میگردد.

اول : جمع تقدیم :

جمع تقدیم : اینکه ظهر و عصر در وقت ظهر یا مغرب و عشاء در وقت مغرب خواند شوند.

دوم : جمع تأخیر :

جمع تأخیر : جمع تاوقتی است که ظهر و عصر در وقت عصر و یا مغرب و عشاء در وقت عشاء خوانده شوند .

سوم : جمع صوری :

جمع صوری عبارت است که : هر یکی از ظهر و عصر ، مغرب و عشاء در وقت وقتش خوانده شود البته نماز اول به تاخیر انداخته و در آخر وقتش خوانده شود و نماز بعدی در اول وقتش خوانده شود ، با این حال بیننده تصور می نماید که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء با هم یکجا خوانده شدند ، صورتاً جمع است اما حقیقتاً جمع نیست . در میدان عرفات ، جمع تقدیم در ظهر و عصر و در مزدلفه جمع تأخیر در مغرب و عشاء بالاجماع واجب است (نسایی جلد اول صفحه 100) علاوه بر آن دو مقام در جا های دیگر جمع تقدیم و تاخیر جایز نیست ، البته جمع صوری در حالت فوق جایز است .

یادداشت فقهی :

ولی رای صحیح آنست که چنانچه شخص در مسافرت دچار مشقت شود علاوه بر قصر می تواند نماز خود را نیز جمع کند ولی نه همیشه و بلکه باید ضرورتی باشد هر چند برخی از علماء جمع نمازها در سفر را در هر حالی جایز دانسته اند که تفصیل آن در فوق بیان گردید .

پایان

نماز مسافر

فهرست مطالب وموضوعات مندرج

شماره	موضوعات
1	- احکام نماز مسافر
2	- دلایل از قرآن بر قصر خواندن نماز در سفر
3	- دلایل از سنت بر قصر خواندن نماز در سفر
4	- اجماع علماء بر قصر خواندن نماز در سفر
5	- انواع سفر
6	- مسافت قصر برای نماز
7	- تقصیر نماز به حکم عرف
8	- حکم قصر برای محصلین مسافر
9	- حکمت در تقصیر نماز در حال مسافرت
10	- احکام جمع صلاتین در حضر
11	- جمع بین صلاتین در هنگام ضرورت
12	- جمع بین صلاتین در هنگام مریضی
13	- جمع بین صلاتین در هنگام باران شدید
14	- جمع بین صلاتین در هنگام داشتن مریضی مستحاضه
15	- حکم جمع التقدیم و جمع التاخیر
16	- رعایت ترتیب در جمع بین صلاتین
17	- قصر و جمع نماز و نیت ان
18	- قضاء آوردن نماز مسافرت
19	- اشتباه در نماز های قصری
20	- حکم نوافل در مسافرت
21	- احکام قصر و جمع نماز در سفر
22	- نماز مسافر پشت سر امام مقیم
23	- احکام جمع و قصر در نزد امام ابوحنیفه (رح)

نماز مسافر

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com
strategicstudies@yahoo.com

در باره رساله

دلایل ازقرآن برقصر خواندن نماز در سفر :
خداوند متعال در سوره (نساء :ایه 101)
می‌فرماید : « وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ
أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا » (هرگاه در زمین به
مسافرت پرداختید و نماز را کوتاه خواندید
گناهی بر شما نیست اگر ترسیدید که کافران
بلائی به شما برسانند و به فتنه‌ای گرفتارتان
گردانند) .

آز (یعلی بن أمیة بن أبی عبیده) روایت است
:که از عمر بن خطاب درباره آیه : « إِنْ خِفْتُمْ أَنْ
يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا » سؤال کردم او در جوابم
گفتم : با توجه به این آیه قصر نماز به وقتی
اختصاص دارد که از کافران در امان نباشیم
ولی الان مردم در امنیت هستند، عمر گفت :
من هم مثل تو از این امر در تعجب بودم تا
اینکه نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم
رفتم و در این باره سؤال کردم، پیامبر صلی
الله علیه وسلم فرمود: (صدقة تصدق الله
بها علیکم فاقبلوا صدقته) «صدقه‌ای است
که الله سبحان و تعالی به شما داده است،
پس صدقه‌اش را قبول کنید».